

قالب الف - متن کرسی ترویجی:

۱- مشخصات ارائه دهنده (گان):

نام و نام خانوادگی:	حسین عندلیب
میزان تحصیلات:	دکتری
رشته تحصیلی:	الهیات - فقه و حقوق اسلامی
مرتبه علمی:	استادیار
نام و آدرس محل اشتغال:	دانشگاه آزاد اسلامی قم - قم - دانشگاه آزاد اسلامی قم
شماره تلفن:	۰۹۱۲۰۴۱۲۳۰۰
آدرس ایمیل:	hoseinandalib@iaua.ac.ir
شناسه ORCID:	0000-0002-9062-9341

۲- عنوان کرسی:

عنوان فارسی: فناوری های نوین از دیدگاه فقه امامیه
عنوان انگلیسی: Current rationality on transcendental education in the hadith "The soldiers of reason and ignorance"
عنوان عربی: التكنولوجيا المستحدثة من منظور فقه الاماميه.

۳- متن کرسی ترویجی: (آن دسته از ارائه دهندگان کرسی ترویجی یا دانشگاه یا موسسه ای که کرسی در آن برگزار می شود به

زبان غیرفارسی هستند، می توانند متن کرسی را به زبان اصلی ارائه دهند)

گفتار اول: مقدمه

بیان مسئله

یکی از شاخصه های برجسته عصر معاصر، گسترش شتابان فناوری های نوین و نفوذ همه جانبه آن ها در ابعاد گوناگون حیات انسانی است. تحول در نظام های ارتباطی، ظهور ابزارهای هوشمند و توسعه سامانه های رایانه ای و الکترونیکی، به شکلی بی سابقه شیوه زندگی، مناسبات اجتماعی و حتی اعمال عبادی انسان را تحت تأثیر قرار داده است. عبادات اسلامی به عنوان رکن اصلی دینداری، از این دگرگونی ها مصون نمانده و در معرض انطباق یا تأثیرپذیری از فناوری های نو قرار گرفته اند. در میان این عبادات، نماز و حج جایگاهی ویژه دارند؛ چرا که این دو نه تنها ستون بندگی فردی و اجتماعی مسلمانان محسوب می شوند، بلکه بخش مهمی از هویت عبادی شریعت اسلامی را نیز نمایندگی می کنند. در سال های اخیر، ابزارهای متعددی با هدف تسهیل، دقت بخشی و ارتقای کیفیت اعمال عبادی طراحی و استفاده شده اند؛ ابزارهایی مانند اپلیکیشن های تعیین دقیق قبله، برنامه های رایانه ای اعلام اوقات شرعی، وسایل حمل و نقل الکترونیکی برای طواف و سعی، سامانه های هوشمند هدایت زائران، نرم افزارهای کنترل و نظارت بر حرکات بدنی در نماز، و بسیاری از ابزارهای مشابه. این فناوری ها در عین آن که بهره وری، نظم و دقت در اعمال عبادی را ارتقا می دهند، پرسش هایی اساسی درباره ماهیت و مشروعیت فقهی خود برمی انگیزند. آیا استفاده از این ابزارها، با اصول و مقاصد شریعت سازگار است؟ آیا ورود فناوری به حوزه عبادات، به تغییر در روح، شکل، یا شرایط عبادت می انجامد؟ و مهم تر از همه، حدود، ضوابط، و معیارهای استفاده مشروع از این فناوری ها در فقه اسلامی چیست؟



از کرسی‌های نظریه‌پردازی، تدوین‌کننده

بسمه تعالی

فقه اسلامی به‌مثابه نظامی استوار از قواعد، اصول و روش‌های استنباط، در برابر تحولات نوظهور، رویکردی اجتهادی، سنجیده و مستند دارد. قواعدی مانند لزوم قصد قربت، اجتناب از بدعت، رعایت شرایط صحت عبادت، حفظ ظاهر و باطن مناسک، و صیانت از روح عبودیت، در شریعت اسلامی جایگاه ریشه‌ای دارند و هرگونه نوآوری یا تغییر در رفتار دینی، باید با این قواعد سنجیده شود. از این منظر، کاربست فناوری‌های نوین در اعمال عبادی نیز نمی‌تواند بدون تحلیل عمیق اصولی و فقهی، جایگاه مشروعی در فضای دینی بیابد. صرفاً نو بودن یا کارآمدی ابزار نمی‌تواند معیار پذیرش یا رد آن در حوزه عبادات باشد. آنچه در فقه اسلامی موضوعیت دارد، سنجش دقیق اثرات این ابزارها بر ساختار شرعی و معنوی عبادات است.

مناسک حج، به‌سبب ویژگی‌های مکانی، زمانی و بدنی خاص خود، عرصه‌ای است که ورود فناوری در آن به‌صورت ملموس تجربه می‌شود. بهره‌گیری از اسکوترهای برقی و وسایل حمل‌ونقل خودکار در مسیر طواف و سعی، هرچند در ظاهر موجب تسهیل حرکت و کاهش سختی‌های جسمانی است، اما از منظر فقهی پرسش‌های جدی را برمی‌انگیزد. آیا حرکت با ابزار مکانیکی همان حکم حرکت با پای انسان را دارد؟ آیا نیت عبادی در این شرایط تحقق می‌یابد یا صرفاً صورت ظاهری عمل رعایت شده است؟ در کنار این موارد، طراحی نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌های راهنمای زائر نیز فهم مناسک را برای حجاج تسهیل می‌کند، اما مسئله‌ای دیگر را پیش می‌کشد: آیا وابستگی به این ابزارهای هوشمند با اصل حضور قلب و توجه در انجام شعائر جمعی همخوان است؟ چنین پرسش‌هایی نشان می‌دهد که بررسی مشروعیت فناوری‌های نوین در حج، صرفاً در سطح تسهیل اجرایی یا مدیریت مناسک باقی نمی‌ماند، بلکه لایه‌های عمیق‌تری از مباحث فقهی را نیز درگیر می‌سازد.

در حوزه نماز نیز، ابزارهای فناورانه گاه در خدمت آموزش، اطلاع‌رسانی یا نظارت بر صحت حرکات و قرائت نماز قرار گرفته‌اند. ظهور ابزارهایی برای تعیین دقیق قبله، تعیین اوقات شرعی از طریق موقعیت جغرافیایی، یا ابزارهایی برای کمک به افراد دارای ناتوانی جسمی در اقامه نماز، نمونه‌هایی از این حضور فناورانه‌اند. اما چالش اصلی آن است که آیا این ابزارها، موجب ارتقای کیفیت توجه و قصد قربت در نماز می‌شوند یا زمینه‌ساز نوعی اتکاء به ظاهر و غفلت از باطن می‌گردند؟ آیا شریعت اسلامی پذیرای چنین اتکایی است؟ و آیا میان استفاده از فناوری و ایجاد بدعت در ساختار نماز، خط مرزی روشن و ضابطه‌مندی در فقه وجود دارد یا باید به شکل موردی و قیاسی با آن مواجه شد؟

از سوی دیگر، خلأ مطالعات منسجم و نظام‌مند فقهی در این حوزه، پژوهش حاضر را ضروری‌تر می‌سازد. اگرچه برخی منابع فقهی به‌صورت پراکنده به موارد خاصی از تغییر ابزار در عبادات پرداخته‌اند، اما تحلیل جامع، اصولی و مسئله‌محور نسبت به فناوری‌های نوین و اعمال عبادی، کمتر صورت پذیرفته است. پژوهش حاضر بر آن است تا ضمن استخراج، بازخوانی و تحلیل قواعد فقهی مرتبط، از جمله قصد قربت، اجتناب از بدعت، لزوم رعایت ارکان و شرایط، و حفظ اصالت عبادت، چارچوبی برای ارزیابی مشروعیت فناوری در دو عبادت محوری نماز و حج ارائه دهد.

در نتیجه، مسئله اصلی این تحقیق را می‌توان این‌گونه صورت‌بندی کرد: جایگاه فقهی استفاده از فناوری‌های نوین در اعمال عبادی حج و نماز چیست و بر اساس چه اصول و معیارهایی می‌توان حدود مشروعیت و کاربست ضابطه‌مند آن‌ها را تبیین نمود؟ این مسئله، علاوه بر تحلیل مصادیق موجود، درصدد آن است تا به تأسیس نگاهی اجتهادی، اصول‌محور و آینده‌نگر در قبال تحولات فناورانه بپردازد و تعادلی میان ضرورت‌های روز و قواعد اصیل عبادی برقرار سازد؛ تعادلی که تنها از رهگذر فقهی پویا، عمیق و منضبط حاصل می‌شود.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی:

۱. جایگاه فقهی استفاده از فناوری‌های نوین در اعمال عبادی حج و نماز چیست و چگونه می‌توان چارچوبی برای کاربرد صحیح آن‌ها ارائه داد؟

سؤالات فرعی:

۱. از منظر فقهی، چه معیارها و اصولی برای ارزیابی مشروعیت استفاده از فناوری‌های نوین در اعمال عبادی حج و نماز وجود دارد؟

۲. کاربست فناوری‌های نوین در مناسک حج چه تأثیری بر انجام این اعمال و مشروعیت آن‌ها دارد؟

۳. فناوری‌های نوین در تسهیل و ارتقای کیفیت نماز چه نقشی دارند و این نقش‌ها از نظر فقهی چه محدودیت‌ها و الزاماتی دارند؟

فرضیه تحقیق

با توجه به چارچوب مفهومی فقه اسلامی، می‌توان چنین فرض کرد که اصولی همچون لزوم قصد قربت، اجتناب از بدعت، رعایت ارکان و شرایط عبادت، و حفظ اصالت و روح عبادی، از جمله معیارهای کلیدی در ارزیابی مشروعیت ابزارها و



بسمه تعالی

کمیته تخصصی فقه و حقوق
از کرسی‌های نظریه‌پردازی، پژوهش و خدمات

فناوری‌های نوین در اعمال عبادی به‌شمار می‌روند. این اصول، که در منابع فقهی به‌عنوان ضوابط بنیادین صحت و قبولی عبادت شناخته شده‌اند، توانایی آن را دارند که در مواجهه با تحولات فناورانه، نقش هدایت‌گر ایفا نمایند و مرزهای مجاز و غیرمجاز را در کاربست فناوری مشخص سازند.

از این منظر، نخستین فرضیه آن است که در فقه اسلامی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در اعمال عبادی نظیر حج و نماز، در صورتی که به تحقق قصد قربت لطمه نزنند، موجب اختلال در ارکان و شرایط شرعی نگردد، و اصالت عمل عبادی را محفوظ بدارد، می‌تواند مشروع و قابل پذیرش تلقی شود.

فرضیه دوم آن است که کاربست ابزارهای فناورانه در مناسک حج، چنان‌چه موجب حذف عناصر ذاتی مناسک، مانند حرکت بدنی، نیت فردی، و مشارکت آگاهانه نشود، از منظر فقهی منعی ندارد و می‌تواند حتی به بهینه‌سازی اجرای اعمال حج کمک نماید. این فرضیه به‌طور خاص ناظر به وسایل تسهیل‌گر مانند اسکوترهای برقی، سامانه‌های هوشمند راهنما، و ابزارهای مدیریت جمعیت است که باید مشروعیت آن‌ها در پرتو قواعد فقهی ارزیابی شود.

فرضیه سوم نیز ناظر به نماز است و بیان می‌دارد که فناوری‌های نوین، از جمله ابزارهای تعیین قیله، نرم‌افزارهای اوقات شرعی، یا سیستم‌های آموزشی فقه نماز، در صورتی که منجر به تقویت دقت در اجرای احکام، افزایش صحت قرائت و حرکات، و حفظ حضور قلبی و توجه باطنی در نماز شوند، از منظر فقهی قابل تأیید و مشروع خواهند بود. این فرضیه ناظر به پیوند مثبت میان فناوری و معنویت در حوزه عبادت است، به‌شرط آن‌که غفلت‌زایی یا وابستگی صرف به ابزار رخ ندهد.

بنابراین، جهت‌گیری اصلی این پژوهش، بررسی امکان‌پذیری مشروعیت فناوری در چارچوب اصول ثابت فقهی و اجتناب از هرگونه افراط یا تفریط در پذیرش یا طرد ابزارهای نوین در مناسک عبادی است؛ تحلیلی که هم نسبت به ضوابط شرعی وفادار باشد و هم ظرفیت‌های نوآورانه را در خدمت تعالی معنوی عبادات به‌کار گیرد.

اهداف و فوائد تحقیق

تحقیق حاضر با رویکردی تحلیلی و اجتهادی، در پی پاسخ‌گویی به یکی از مسائل نوپدید و نیازمند تحلیل عمیق فقهی است که از تلاقی میان تحول فناورانه و ثبات احکام عبادی ناشی شده است. بر این اساس، اهداف تحقیق در دو ساحت علمی و نظریه‌پردازی‌های کاربردی قابل تفکیک و تبیین است:

در سطح نخست، اهداف علمی تحقیق معطوف به تبیین و تحلیل اصول و قواعد فقهی مرتبط با اعمال عبادی و سنجش مشروعیت ورود فناوری‌های نوین به این حوزه است. نخستین هدف علمی، بررسی بنیادهای فقهی نظیر قصد قربت، اجتناب از بدعت، و لزوم رعایت ارکان و شرایط عبادات است که در طول تاریخ فقه اسلامی به‌عنوان ضوابط بنیادین صحت عبادات شناخته شده‌اند. شناخت دقیق این اصول، امکان آن را فراهم می‌سازد که بتوان با معیارهای معتبر و مقبول فقهی به تحلیل مصادیق نوین در حوزه عبادات پرداخت. دومین هدف علمی، تحلیل ابعاد معنوی، روحی و غایت‌مند اعمال عبادی در مواجهه با فناوری‌های نوین است؛ چراکه صرف بررسی ظواهر مناسک برای تعیین صحت فقهی کافی نیست و باید سنجش شود که آیا فناوری به تقویت یا تضعیف توجه، خشوع و نیت عبادی انجامیده است. هدف سوم نیز، تبیین جایگاه فناوری در منظومه فقهی عبادات است؛ به‌نحوی که مشخص گردد چه زمانی فناوری در خدمت عبادت قرار دارد و چه زمانی موجب اختلال در اصالت و حقیقت آن می‌شود.

در سطح دوم، این پژوهش در پی نظریه‌پردازی کاربردی برای هدایت تعامل فقه اسلامی با پدیده‌های فناورانه در حوزه عبادات است. در این راستا، هدف نخست، ارائه چارچوب نظری‌ای است که رابطه میان شریعت و فناوری در حوزه اعمال عبادی را تبیین نماید؛ چارچوبی که نه صرفاً به تطبیق موردی بسنده کند و نه گرفتار محافظه‌کاری غیراصولی یا پذیرش بی‌ضابطه نوآوری گردد. هدف دوم، پیشنهاد اصول فقهی مشخص برای انطباق مصادیق فناورانه با مناسک شرعی است؛ اصولی که بتوان از آن‌ها به‌عنوان راهنمای استنباط و اجتهاد در مواجهه با مسائل مشابه در آینده استفاده کرد. هدف سوم نیز، ایجاد بستری نظری برای بهره‌گیری از فناوری در ارتقای کیفیت، دقت و تسهیل عبادات است، به‌نحوی که این بهره‌گیری به تضعیف ارکان و شرایط عبادت یا به اختلال در نیت و توجه قلبی منجر نشود، بلکه در خدمت تحقق بهتر اهداف شریعت قرار گیرد.

بدین‌سان، این پژوهش نه‌تنها در پی پاسخ‌گویی به یک مسئله خاص فقهی است، بلکه می‌کوشد تا در سطحی بالاتر، الگویی نظری برای مواجهه عقلانی، شرعی و آینده‌نگر با تحولات فناوری در حوزه عبادات ارائه دهد؛ الگویی که قابلیت توسعه در سایر حوزه‌های دینی را نیز داشته باشد و به تقویت گفتمان اجتهاد تمدن‌ساز در فقه اسلامی بینجامد.

پیشینه تحقیق و امتیاز این پژوهش

پژوهش‌های متعددی در زمینه حج و نماز به‌عنوان مهم‌ترین اعمال عبادی در شریعت اسلامی انجام شده است. این تحقیقات عمدتاً به ابعاد فقهی، عرفانی، اجتماعی و فرهنگی این دو عبادت بنیادی پرداخته‌اند. در حوزه حج، موضوعاتی



نظير تأثيرات اجتماعي و فرهنگي اين مناسك، نقش آن در تقويت انسجام امت اسلامي، و چالش هاي اجرايي آن مورد توجه قرار گرفته است. براي نمونه، پژوهش هايي با رويکرد جامعه شناسي نشان داده اند كه مناسك حج به عنوان يكي از بزرگ ترين تجمع هاي ديني، نقشي محوري در تقويت ارزش هاي جمعي و انسجام هويتي مسلمانان ايفا مي كند. در همين راستا، مطالعاتي مانند نقش حج در حفظ و تقويت نظام اجتماعي مسلمانان به تحليل ابعاد اجتماعي اين شعائر پرداخته اند و كوشيده اند جايگاه آن را در باز توليد همبستگي ديني و اخلاقي بررسي كنند. افزون بر آن، برخي تحقيقات فقهي، به ويژه در منابع آموزشي و دروس حوزوي، به بررسي مسائل خاصي از مناسك حج مانند طواف، سعي، احرام و نيت پرداخته اند و تلاش كرده اند ضوابط صحت و بطلان اين اعمال را بر اساس مباني اجتهادي تبئين كنند. در اين زمينه، منابعي مانند كتاب فلاح زاده با عنوان احكام فقهي اجرايي حج، و نيز مجموعه كتب راهنماي زائران منتشر شده توسط مؤسسه مشعر، نمونه هايي از آثار موجود به شمار مي روند.

در خصوص نماز نيز، مجموعه اي از تحقيقات فقهي و عرفاني منتشر شده است كه عمدتاً به تحليل ساختار، نيت، شرايط و اركان نماز پرداخته اند. اين پژوهش ها غالباً بر لزوم قصد قربت، حضور قلب، رعايت نظم ظاهري و روح معنوي نماز تمرکز داشته اند و بعضاً با هدف آموزش صحيح اجزاي نماز در قالب آثار آموزشي يا نرم افزارهاي ديني عرضه شده اند. همچنين، مقالاتي در زمينه ابزارهاي كمك آموزشي نماز مانند اپليكيشن هاي تعيين قبله يا يادگيري تجويد و تلفظ صحيح منتشر شده است، ولي اين آثار عمدتاً ناظر به كاركردهاي کاربردي اين ابزارها هستند و نه تحليل فقهي آن ها.

با وجود اين حجم از پژوهش در ابعاد مختلف نماز و حج، بايد اذعان داشت كه تحقيقي كه به صورت متمرکز و نظام مند به بررسي فقهي رابطه فناوري هاي نوين با اعمال عبادي پرداخته باشد، تا كنون انجام نشده است. اثر مهمي مانند كتاب شناسي حج و زيارت تاليف اباذر النصراصفهاني، با وجود ثبوت و معرفي بيش از هزار عنوان كتاب و مقاله به زبان فارسي و عربي در حوزه حج، نشان مي دهد كه تا كنون هيچ پژوهشي به طور خاص به تحليل فقهي فناوري در مناسك عبادي نپرداخته و چنين موضوعي در منابع رسمي و آثار علمي ثبت نشده باقي مانده است. از اين رو، پژوهش حاضر از امتياز ويژه اي برخوردار است. اين تحقيق نه تنها خلا علمي موجود در اين زمينه را شناسايي كرده، بلكه مي كوشد با بهره گيري از روش اجتهادي، و با استناد به قواعد اصولي مانند قصد قربت، اجتناب از بدعت، و حفظ اصالت عبادات، چارچوبي نظري براي ارزيابي مشروعيت استفاده از فناوري هاي نوين در مناسك حج و نماز ارائه دهد. تلاش اين پژوهش، نه تكرار مباحث رايج فقه عبادات، بلكه تأسيس رويكردي نوين در پاسخ گويي به چالش هاي ديني در مواجهه با تحولات فناورانه است. به بيان دقيق، اين موضوع در آثار پيشين فاقد هرگونه بررسي مستقل، جامع و فقه محور بوده و عملاً پيشينه اي علمي ندارد.

ضرورت تحقيق

تحولات فناوري در دهه هاي اخير، نه تنها سبك زندگي انسان را دگرگون ساخته، بلكه در لايه هاي عميق تري از حيات فردي و اجتماعي او، از جمله عرصه دينداري و مناسك عبادي، نفوذ يافته است. فناوري هاي نويني كه در آغاز صرفاً ابزارهايي براي تسهيل كاركردهاي دنيوي تلقى مي شدند، امروزه در قالب ابزارهاي كمك عبادي، سامانه هاي همراه، حسگرهاي حركتي، وسايل حمل و نقل سبك، نرم افزارهاي تشخيص قبله و اوقات شرعي، و حتي سامانه هاي هوشمند نظارت و هدايت زائران، در دل اعمال عبادي مؤمنان راه يافته اند. اين نفوذ روزافزون، پرسش هايي جدی و نوپديد را در قلمرو فقه اسلامي ايجاد كرده است؛ پرسش هايي كه بدون مواجهه اي اصولي، روشمند و اجتهادي، نمي توان به آن ها پاسخ داد.

عبادات اسلامي به ويژه نماز و حج، نه صرفاً مجموعه اي از حركات و گفتارهاي معين، بلكه ساختارهاي مقدس، روح دار، مقصود محور و مقيد به نيت و قصد قربت هستند. هرگونه تغيير در شكل، ابزار يا شرايط انجام اين عبادات، چنانچه بدون سنجش دقيق فقهي و اصولي صورت گيرد، ممكن است به اخلال در مشروعيت، سقوط معنويت، و تهی شدن عبادات از روح عبوديت منجر گردد. فقه اسلامي، به عنوان نظامي معرفتي كه مبتني بر نصوص شرعي، قواعد اصولي، و مقاصد كلي شريعت است، اقتضا مي كند كه ورود ابزارها و نوآوري هاي فناورانه به حوزه عبادات، صرفاً بر پايه مصلحت يا سهولت انجام نشود، بلكه با سنجش دقيق مشروعيت، ماهيت، و آثار آن همراه گردد.

از سوي ديگر، در بسياري از زمينه هاي فناوري کاربردي نظير آموزش ديني، تبليغ، سلامت يا ارتباطات، ادبيات فقهي قابل توجهي شكل گرفته است؛ اما در حوزه عبادات، به ويژه تحليل فقهي استفاده از فناوري در نماز و حج، هنوز نظام علمي مدوني وجود ندارد. بررسي دقيق كتاب شناسي حج و زيارت اثر اباذر النصراصفهاني نيز نشان مي دهد كه با وجود فهرست صدها عنوان كتاب و مقاله فارسي و عربي در حوزه حج، هيچ كدام از آن ها به طور خاص به تحليل فقهي ابزارهاي فناورانه در مناسك عبادي نپرداخته اند. به عبارت دقيق تر، مسئله ورود فناوري به فضاي عبادات، هنوز از منظر فقهي در مرحله بكر و بررسي نشده باقي مانده است.



باسمه تعالی

کمیته تخصصی فلسفه علم
از گری های نظری، پژوهشی، فلسفی و الهیات

افزون بر این، تحولات آینده‌نگرانه در فناوری‌های هوش مصنوعی، واقعیت مجازی، ابزارهای پوشیدنی، و سامانه‌های تصمیم‌یار، این احتمال را برجسته می‌سازد که در آینده‌ای نزدیک، عرصه عبادات با نوآوری‌هایی مواجه شود که نه تنها در نحوه اجرا، بلکه در تعریف حدود و مرزهای مفهومی عبادت نیز چالش‌آفرین باشند. مواجهه فقهی با این تحولات، تنها با اجتهاد مسئله‌محور، آینده‌نگر، و اصول‌مدار ممکن است؛ و تأخیر در این مواجهه، می‌تواند موجب غلبه‌ی رویکردهای شخصی، سطحی‌نگر و ناهماهنگ با مبانی شریعت شود.

بر این اساس، ضرورت انجام این پژوهش در سه سطح قابل توجیه است: نخست، ضرورت نظری برای تولید ادبیات فقهی متقن و روشمند در مواجهه با پدیده‌های نوظهور و چندوجهی؛ دوم، ضرورت کاربردی برای ارائه چارچوب ضابطه‌مند در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در مناسک حج و نماز؛ و سوم، ضرورت تمدنی و راهبردی برای پشتیبانی از رویکرد اجتهاد پویا در برابر تحولات فناورانه جهان معاصر. پژوهش حاضر با رویکردی اصولی و بر پایه قواعد فقه عبادی، گامی در جهت پاسخ‌گویی به این ضرورت‌هاست و می‌کوشد ضمن وفاداری به مبانی فقهی، به تبیین افق‌هایی نو در تعامل میان دین و فناوری بپردازد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مورد نظر، در زمره تحقیقات فقهی-نظری قرار می‌گیرد و از نظر نوع، در دسته پژوهش‌های بنیادی-کاربردی محسوب می‌شود. در این تحقیق، تلاش شده است تا با بهره‌گیری از روش اجتهادی، قواعد عام فقهی و اصول عملی عبادات اسلامی استخراج و بر مصادیق فناورانه نوظهور تطبیق داده شود. هدف، نه تنها دستیابی به حکم فقهی موارد خاص، بلکه تبیین یک چارچوب اصول‌مدار برای مواجهه با فناوری در حوزه عبادات است.

در این راستا، روش تحقیق عمدتاً ترکیبی از سه شیوه اصلی فقهی است: عقلانی-برهانی، نقلی-وحيانی، و نقلی-تاریخی. در بخش عقلانی-برهانی، با اتکا به اصول عقلایی معتبر در علم اصول فقه، مانند ملاکات عبادت، نقش قصد قربت، و ضوابط تحلیل حکم وضعی و تکلیفی، قواعد بنیادینی مانند «العبادات توقیفیه»، «لزوم قصد قربت»، «اجتناب از بدعت» و نظایر آن تحلیل و تبیین می‌گردد. در بخش نقلی-وحيانی، منابع اصیل دینی یعنی قرآن، سنت، و اجماع فقهای معتبر، مورد ارجاع قرار می‌گیرند و با تتبع در نصوص روایی و فتاوی فقها، مبانی نظری فقه عبادی استخراج می‌شود. در بخش نقلی-تاریخی نیز سیر تطور دیدگاه‌های فقهی نسبت به ابزارها و وسایل مورد استفاده در عبادات از صدر اسلام تا عصر معاصر بررسی می‌گردد تا روشن شود که فقه اسلامی چگونه با تحولات وسایل و ابزار مواجه شده و کدام قواعد برای این مواجهه شکل گرفته است.

در فرایند تحلیل، پژوهش حاضر از منطق فقه استدلالی بهره می‌گیرد. ابتدا قواعد فقهی کلان شناسایی شده، سپس با دسته‌بندی موضوعی بر اساس ابواب عبادات، این قواعد بر مصادیق نوین فناوری تطبیق داده می‌شود. در هر مورد، به بررسی امکان تأثیر ابزار فناورانه بر شرایط، ارکان، و روح عبادی عمل مورد نظر پرداخته می‌شود. تحلیل‌ها ناظر به معیارهای صحت، بطلان، کراهت، و استحباب عبادات بوده و نسبت میان سهل‌سازی و اصالت عبادی با دقت بررسی می‌گردد.

رویکرد کلی پژوهش، اجتهادی-تحلیلی است؛ یعنی به جای تقلید یا نقل صرف آراء، تلاش می‌شود با استخراج معیارها از منابع، حکم فقهی هر مسأله با ضابطه‌ای عام و قابل تعمیم تدوین شود. به همین سبب، این تحقیق صرفاً به صدور فتوا درباره چند ابزار مشخص نمی‌پردازد، بلکه در پی طراحی الگوی پاسخ‌گویی فقهی به فناوری در عبادات است؛ الگویی که بتواند با حفظ هویت عبادی اعمال، پذیرش نوآوری‌های فناورانه را به شکل ضابطه‌مند و مقید تسهیل کند. گردآوری اطلاعات در این تحقیق، مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است و داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعه اسنادی و تحلیل متون مکتوب به دست آمده‌اند. به سبب ماهیت فقهی و نظری موضوع، عمده اطلاعات و مستندات از منابع مکتوب سنتی و معاصر فقهی، اصولی، تفسیری و حدیثی استخراج شده‌اند. در این راستا، پژوهش حاضر از دو گروه اصلی منابع بهره برده است: منابع اولیه و منابع ثانویه.

گفتار دوم: مفاهیم

مفهوم فناوری‌های نوین

معنای لغوی: در نگاه لغوی، واژه «فناوری» معادل فارسی اصطلاح «Technology» در زبان‌های اروپایی است. این واژه در زبان انگلیسی از ترکیب دو واژه یونانی *techne* به معنای هنر، صنعت یا مهارت، و *logos* به معنای گفتار، استدلال یا معرفت شکل گرفته است. بنابراین، *Technology* در معنای ریشه‌ای خود، «شناخت و معرفت درباره فن و



از کرسی های نظریه پردازی، فرهنگ و هنر

باسمه تعالی

مهارت» تلقی می‌شود. در زبان فارسی نیز واژه فناوری، به صورت ترکیبی از «فن» و «آوری» به معنای آفرینش یا تولید فن و مهارت‌ها بر ساخته شده است که در جایگاه معادل برگردان شده‌ی واژه اروپایی آن قرار گرفته است.

معنای اصطلاحی:

در جهان معاصر، «فناوری» به‌مثابه یکی از ارکان اصلی تمدن نوین، عرصه‌ای فراتر از مهندسی یافته و به حوزه‌های علوم انسانی، جامعه‌شناسی و فلسفه علم نیز راه گشوده است. هرچند این اصطلاح که گاه در فارسی معادل «تکنولوژی» به‌کار می‌رود، در نگاه ابتدایی ساده و کاربردی به نظر می‌رسد، اما بررسی‌های معرفتی و تحلیلی نشان می‌دهد که این مفهوم واجد لایه‌های معنایی پیچیده و متکثر است. واکاوی این ابعاد، به‌ویژه برای فهم نسبت میان فناوری و عبادت، اهمیتی بنیادین دارد. از این‌رو، پرداختن به چیستی فناوری در این گفتار، پیش‌زمینه‌ای نظری برای ورود به مباحث فقهی فراهم می‌آورد و افق روشن‌تری در تحلیل ارتباط میان تکنولوژی و مناسک دینی ترسیم می‌کند.

در ادبیات تخصصی علوم انسانی و فنی، تعاریف مختلفی از فناوری ارائه شده است که هر یک ناظر به بُعد خاصی از این پدیده‌اند. برخی فناوری را صرفاً ابزار و وسایلی می‌دانند که انسان برای تسلط بر طبیعت یا محیط پیرامون خود از آن بهره می‌گیرد. در این نگاه، فناوری ماهیتی ابزارمحور دارد و در حیطه تکنیک تعریف می‌شود. اما تحلیل‌های جدیدتر از فناوری، آن را نه تنها ابزار، بلکه شامل فرایند طراحی، تولید، به‌کارگیری، و حتی فرهنگ و ارزش‌های پیوسته به ابزارها می‌دانند. در واقع، در دیدگاه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی معاصر، فناوری صرفاً یک وسیله مادی نیست، بلکه نظامی پیچیده از دانش، مهارت، سازمان، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری است که در بستر اجتماعی و تاریخی خاصی توسعه یافته است.

در برخی دسته‌بندی‌ها، فناوری به‌عنوان نوعی عقلانیت کاربردی نیز تلقی شده است. در این نگاه، فناوری برخاسته از عقلانیت ابزاری یا عقلانیت معطوف به سود است که هدف آن، افزایش کنترل انسان بر جهان از طریق افزایش بهره‌وری، سرعت و دقت در انجام امور است. از این منظر، فناوری صرفاً مجموعه‌ای از اختراعات و ابزارها نیست، بلکه شیوه‌ای از تفکر و عمل است که بر تمام عرصه‌های حیات بشر سایه می‌افکند و نوع خاصی از نسبت انسان با هستی را شکل می‌دهد. از همین جهت، برخی فیلسوفان معاصر فناوری مانند هایدگر، فناوری را نه وسیله، بلکه «طرز خاصی از انکشاف و آشکارگی حقیقت» دانسته‌اند که نحوه بودن بشر در جهان را تعیین می‌کند.

در آثار پژوهشی مرتبط با جهان‌بینی دینی، تلاش‌هایی برای تلفیق نگاه‌های دینی با رویکرد فلسفی به فناوری انجام شده است. به‌ویژه در نوشتارهایی مانند پژوهش منتشر شده توسط پژوهشگاه باقرالعلوم، فناوری نه تنها به‌عنوان ابزار، بلکه به‌عنوان نوعی تجلی از نگرش انسان به هستی و غایات حیات تحلیل شده است. در این چارچوب، فناوری می‌تواند هم‌سو یا ناهم‌سو با جهان‌بینی دینی باشد، بسته به آنکه طراحی، هدف‌گذاری، و استفاده از آن چگونه تنظیم شده باشد.

به‌روشنی می‌توان دریافت که فناوری در تعریف دقیق خود، مجموعه‌ای از مؤلفه‌های متکثر را دربر دارد. نخستین مؤلفه «دانش فنی» یا Know-how است که ناظر به آگاهی‌های ضمنی و مهارت‌های عملی در انجام امور می‌باشد؛ دومین مؤلفه «ابزار» است که نمود عینی و مادی فناوری به‌شمار می‌رود؛ سومین مؤلفه «فرایند» است که جریان طراحی، تولید، پیاده‌سازی و پشتیبانی را شامل می‌شود؛ و چهارمین مؤلفه «بستر اجتماعی و ارزشی» است که فناوری در چارچوب آن پدیدار شده و توسعه می‌یابد. بدین‌سان، هر نوع تحلیل دینی و فقهی نسبت به فناوری، ناگزیر از درک این عناصر به‌هم‌پیوسته خواهد بود.

در حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی نیز فناوری دیگر به‌عنوان پدیده‌ای خنثی تلقی نمی‌شود. بلکه تأکید می‌شود که فناوری دارای بار ارزشی و معنایی است و نمی‌توان آن را مستقل از بافت‌های اخلاقی و فرهنگی تحلیل کرد. همین امر، ضرورت بررسی نسبت میان فناوری و عبادت را دوچندان می‌سازد؛ چراکه اعمال عبادی، نه صرفاً حرکاتی فیزیکی، بلکه تجلی نیت، معنا و روح توحیدی‌اند و ورود فناوری در چنین عرصه‌هایی، بدون تحلیل عمیق چیستی آن، می‌تواند به فروکاست عبادت به قالب‌های ظاهری منجر شود.

بنابراین، در این پژوهش، فناوری نوین نه به‌معنای صرف ابزار، بلکه به‌عنوان منظومه‌ای پیچیده از دانش، ابزار، فرایند، ساختار و ارزش، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این درک تحلیلی از فناوری، زمینه لازم برای ارزیابی مشروعیت و تأثیرات فقهی آن در مناسک عبادی را فراهم می‌سازد؛ به‌ویژه آنکه اعمالی مانند نماز و حج در اسلام، دارای بار معنوی عمیقی هستند که بدون قصد قربت، نیت خالص، و رعایت شرایط خاص شرعی، فاقد اعتبار می‌شوند. هرگونه مداخله فناورانه در این قلمرو، در صورتی قابل قبول خواهد بود که با معیارهای اصالت، نیت‌مندی، و عدم بدعت سنجیده شود؛ و این ممکن نیست مگر با درکی ژرف از چیستی فناوری.

گفتار سوم: کلیات

۱- گونه‌شناسی فناوری و دسته‌بندی‌های آن



باسمه تعالی

از کرسی های نظریه پردازی، فرهنگ و هنر

در تحلیل ماهیت فناوری، یکی از مهم‌ترین گام‌ها، گونه‌شناسی و طبقه‌بندی آن از ابعاد مختلف است؛ زیرا تنوع کاربردها و تفاوت کارکردهای فناوری در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در نسبت آن با امر عبادی، ایجاب می‌کند که این پدیده نه به‌صورت یک‌دست، بلکه در چارچوب طیفی از اقسام مورد توجه قرار گیرد. پژوهشگران این حوزه تلاش کرده‌اند تا با توجه به معیارهایی مانند ساختار فنی، گستره کاربرد، میزان وابستگی به سرمایه، نسبت با انسان و محیط، و نوع داده‌های پردازش‌شونده، گونه‌های مختلفی از فناوری را از یکدیگر تفکیک کنند.

یکی از رایج‌ترین تقسیم‌بندی‌های ارائه‌شده در ادبیات مربوط به فناوری، تمایز میان فناوری‌های سرمایه‌بر و کارگر‌بر است. فناوری‌های سرمایه‌بر، نیازمند ابزارها، ماشین‌آلات و تجهیزات گران‌قیمت بوده و اغلب با ساختارهای صنعتی پیچیده و هزینه‌بر همراه‌اند، در حالی که فناوری‌های کارگر‌بر، عمدتاً متکی بر نیروی انسانی‌اند و نیاز کمتری به سرمایه‌گذاری‌های کلان دارند. این تمایز می‌تواند در حوزه عبادات نیز مطرح شود؛ به‌ویژه در مناسکی مانند حج، که ممکن است استفاده از فناوری‌های سرمایه‌بر مانند سیستم‌های نظارت هوشمند، تجهیزات خودکار صفوف، و خدمات رباتیک، با ملاحظات فقهی مواجه گردد، در حالی که فناوری‌های کارگر‌بر با حداقل مداخله ابزارهای مادی، کمتر محل اشکال باشند.

تقسیم دیگری که برخی پژوهشگران اسلامی از جمله نویسندگان پژوهشکده باقرالعلوم ارائه کرده‌اند، تمایز میان فناوری مدرن و فناوری سنتی است. فناوری سنتی مبتنی بر تجربه‌های تاریخی و ابزارهای بومی است که در طول زمان، در چارچوب فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی شکل گرفته‌اند. در مقابل، فناوری مدرن، برخاسته از جهان‌بینی سکولار و علم تجربی غربی است و در بسیاری از موارد، بدون ارزیابی فلسفی و فقهی، وارد زندگی مسلمانان شده است. این تمایز از آن جهت در فقه عبادات اهمیت دارد که فناوری مدرن، با زمینه‌های معرفتی خاص خود، ممکن است در تعارض با روح توحیدی و نیت قریبی عبادات واقع شود، در حالی که فناوری سنتی از چنین تهدیدی برخوردار نیست.

گونه‌شناسی دیگری که در پژوهش‌های نوین مورد توجه قرار گرفته، تقسیم فناوری به دو دسته «فناوری مکانیکی» و «فناوری الکترونیکی (یا اطلاعاتی)» است. فناوری مکانیکی متکی بر تعامل فیزیکی و ساختاری با ماده است، در حالی که فناوری اطلاعات مبتنی بر تولید، پردازش، ذخیره‌سازی و انتقال داده‌ها در قالب‌های گوناگون صوت، تصویر، متن و عدد است. در زمینه عبادات، این تمایز نمود روشنی دارد؛ چراکه استفاده از ابزارهای مکانیکی مانند وسایل چرخاننده صفوف نماز جماعت یا سیستم‌های تهویه و نقاله‌های خودکار در طواف، با چالش‌هایی متفاوت از ابزارهای اطلاعاتی همچون قبله‌یاب دیجیتال، اپلیکیشن‌های آموزش احکام یا سیستم‌های یادآور اذان روبروست. این تمایز نه‌فقط در تحلیل فنی، بلکه در داور فقهی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند، چراکه نحوه مداخله ابزار در نیت، حضور قلب، و ترتیب شرعی اعمال متفاوت خواهد بود.

برخی دیگر از اندیشمندان، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای از فناوری ارائه کرده‌اند: فناوری‌های مربوط به ذهن انسان، فناوری‌های مربوط به بدن انسان، و فناوری‌های مربوط به محیط زیست. این دسته‌بندی، هرچند از منظر روان‌شناختی و زیست‌محیطی مطرح شده است، اما در تحلیل فقهی نیز می‌تواند اثرگذار باشد. برای مثال، فناوری‌های ذهن‌محور مانند واقعیت مجازی، فناوری‌های بدن‌محور مانند ایمپلنت‌ها یا ابزارهای کنترل فیزیولوژیکی، و فناوری‌های محیطی مانند تصفیه‌گرهای هوا یا دستگاه‌های تنظیم دما، هر یک تأثیر خاصی بر نحوه حضور انسان در عبادت دارند و بنابراین می‌توانند موضوع بررسی فقهی جداگانه باشند (ایراندک، مستندات علمی طرح فناوری در عبادت، سند وزارت علوم، ۶/۹/۱۳۹۵، کد ۱۹۵۹۲۹/و).

نهایتاً در گونه‌شناسی فناوری باید به فناوری اطلاعات (Information Technology) به‌عنوان گسترده‌ترین و مؤثرترین نوع فناوری نوین در عرصه عبادی نیز اشاره کرد. این نوع فناوری که به‌اختصار «IT» نامیده می‌شود، عبارت است از مجموعه ابزارها و روش‌هایی که اطلاعات را در اشکال مختلف جمع‌آوری، ذخیره، بازیابی، پردازش و توزیع می‌کند. برخی پژوهشگران، آن را به دو مؤلفه اصلی تقسیم کرده‌اند: نخست، فرایندهای مرتبط با داده (از جمع‌آوری و پردازش تا انتقال و دریافت)؛ و دوم، ساختارهای سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و سازمان‌افزاری مرتبط با آن. وجه ممتاز فناوری اطلاعات، در گستره نفوذ و انعطاف‌پذیری آن در حوزه‌های مختلف است. در زمینه عبادات نیز، IT در قالب‌های گوناگونی همچون اپلیکیشن‌های آموزش نماز، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی حج، دستگاه‌های ثبت نیت در قربانی حج یا سامانه‌های پاسخ به مسائل شرعی آنلاین، حضوری وسیع و روبه‌گسترش دارد.

به این ترتیب، گونه‌شناسی فناوری، زمینه‌ای لازم برای تحلیل فقهی آن در حوزه عبادات فراهم می‌آورد؛ زیرا از یک سو، ابعاد معنوی و روحی عبادت اقتضا می‌کند که مداخله ابزارهای فناورانه با دقت در نوع، ساختار، و کارکرد آن‌ها بررسی شود؛ و از سوی دیگر، شناسایی نوع فناوری به کاررفته، تعیین‌کننده سطح ارزیابی فقهی آن از حیث مشروعیت یا عدم مشروعیت است. بنابراین، در ادامه این گفتار، تلاش خواهد شد تا با واکاوی ویژگی‌های فناوری نوین، نسبت آن با امر عبادی با دقت بیشتری بررسی گردد.



۲. ویژگی های فناوری های نوین و تفاوت آن با فناوری های سنتی

تحولات پرشتاب قرن اخیر در عرصه دانش و صنعت، منجر به پیدایش نوعی فناوری با ویژگی های کاملاً متمایز از فناوری های سنتی شده است. این فناوری که معمولاً با عنوان «فناوری نوین» شناخته می شود، نه تنها در ساختار، ابزار و کارکرد خود، بلکه در مبانی فلسفی، اهداف بنیادین، و نسبت آن با انسان، جهان و معنویت، تفاوت هایی بنیادین با فناوری های سنتی دارد. در این بخش، ضمن تبیین ویژگی های برجسته فناوری های نوین، تمایز آن با فناوری های پیشین تحلیل می گردد.

نخستین ویژگی بنیادین فناوری های نوین، فراگیری و نفوذ ساختاری در همه عرصه های زندگی انسان است. برخلاف فناوری های سنتی که محدود به کاربردهای مشخصی بودند و عمدتاً در زمینه هایی چون کشاورزی، معماری یا تولید ابزار دستی نمود می یافتند، فناوری های نوین به ویژه در قالب فناوری اطلاعات، به تمامی حوزه های حیات فردی و اجتماعی بشر راه یافته اند. این شمول پذیری، سبب شده است تا فناوری نوین در عرصه های به ظاهر مستقل و معنوی مانند عبادات نیز به گونه ای اجتناب ناپذیر حضور یابد.

ویژگی دوم، تجرید و غیرفیزیکی بودن بسیاری از کارکردهای فناوری نوین است. فناوری سنتی عمدتاً در قالب ابزارهای مکانیکی و تعامل فیزیکی با ماده ظاهر می شد؛ در حالی که فناوری های نوین، به ویژه فناوری اطلاعات، متکی بر پردازش داده ها، تولید معنا، مدیریت اطلاعات و شکل دهی به واقعیت های مجازی است. این امر سبب می شود که تأثیر فناوری بر ساحت ذهنی و معرفتی انسان بسیار گسترده تر و عمیق تر از فناوری سنتی باشد؛ تأثیری که در حوزه عبادت، به عنوان یک کنش معرفتی-معنوی، می تواند جایگاه ویژه ای بیابد.

از دیگر ویژگی های فناوری های نوین، سرعت بالا، بازتولید آسان، و قابلیت تعامل آن ها با سایر فناوری ها و حوزه های علمی است. این فناوری ها، برخلاف ابزارهای سنتی که معمولاً ایستا و محدود به شرایط خاص بودند، توان هم افزایی با علوم رایانه، هوش مصنوعی، داده کاوی، ارتباطات و مهندسی اجتماعی را دارا هستند. برای مثال، ترکیب فناوری های اطلاعاتی با الگوریتم های هوش مصنوعی، امکان تولید اپلیکیشن های فقهی، سامانه های پاسخ گویی آنلاین، و حتی طراحی نرم افزارهایی برای کنترل کیفیت قرائت نماز را فراهم کرده است. این هم پوشانی چندرشته ای، حوزه نفوذ و تأثیر فناوری بر دین را افزایش داده و ضرورت بازاندیشی فقهی در این زمینه را مضاعف می سازد.

از منظر معرفتی، فناوری نوین برخاسته از یک جهان بینی خاص و عقلانیت ابزاری مدرن است. برخلاف فناوری سنتی که معمولاً در بستر فرهنگ دینی، نیازهای انسانی، و زیست بوم محلی رشد می کرد، فناوری های نوین عمدتاً بر پایه عقلانیت ابزاری، سودگرایی، و کارآمدی تکنیکی بنا نهاده شده اند. این جهان بینی، مبتنی بر سلطه انسان بر طبیعت و اراده بر ماده است و گاه با آموزه های توحیدی در تعارض قرار می گیرد. برخی متفکران اسلامی هشدار داده اند که بهره گیری بی ضابطه از فناوری نوین، ممکن است به سیطره عقلانیت ابزاری بر حیات دینی بیانجامد و موجب تغییر در نیت، روح و صورت عبادات شود.

در مقابل این ویژگی ها، فناوری سنتی دارای صفاتی متفاوت بود. فناوری سنتی معمولاً در پیوند با فرهنگ دینی، ساده، کم هزینه، بومی محور، و دارای مقیاس انسانی بود. ابزارهای سنتی به گونه ای طراحی می شدند که نیازهای طبیعی انسان را در چارچوب مناسبات اجتماعی و دینی پاسخ دهند. همچنین، در فناوری سنتی، عنصر معنا، سنت و ارزش های ثابت اجتماعی نقش پررنگتری داشت، در حالی که فناوری های نوین، گاه بر پایه سرعت، تغییر مداوم و کارکردگرایی مطلق عمل می کنند.

در زمینه عبادات، این تفاوت ها جلوه های خاصی می یابد. برای مثال، در حج، استفاده از وسایل سنتی برای طواف یا سعی، متکی بر توان بدنی و هماهنگی جمعی بود، در حالی که امروزه از فناوری های پیشرفته مانند نقاله های متحرک یا سیستم های هوشمند جهت کنترل حرکت زائران استفاده می شود. این تحول، هرچند کارآمدی را افزایش داده است، اما پرسش هایی درباره نقش نیت، مشارکت جسمی و روحی زائر و پیوند عبادی با مشقت جسمانی مطرح ساخته است. همچنین در نماز، ابزارهای سنتی مانند اذان گو، مؤذن خانه، و لوح های آموزشی با فناوری های نوینی مانند اپلیکیشن قبله یاب، نرم افزارهای آموزش تلفظ صحیح حروف، و سیستم های پخش اذان جایگزین شده اند. این جایگزینی ها، هرچند در نگاه نخست به ارتقای کیفیت عبادات منجر شده اند، اما بدون بررسی دقیق فقهی، ممکن است زمینه های وابستگی ذهنی، کاهش توجه حضوری، یا حتی اختلال در قصد قربت را پدید آورند. بنابراین، تمایز میان این دو نوع فناوری، نه فقط در سطح فنی، بلکه در لایه های عمیق تر معنوی و فقهی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

به عنوان جمع بندی، فناوری های نوین با ویژگی هایی چون گستره نفوذ بالا، تجرید اطلاعاتی، قابلیت هم پوشانی با علوم دیگر، و زمینه های فلسفی خاص، واجد تفاوت هایی بنیادین با فناوری های سنتی هستند. این تفاوت ها، در تحلیل فقهی کاربرد فناوری در عبادات نقش اساسی دارند. توجه به این ویژگی ها، نخستین گام برای داوری درباره مشروعیت یا عدم مشروعیت فناوری در مناسک حج و نماز است.

۳. نسبت فناوری های نوین با دین، عرف و اخلاق

نسبت یابی میان فناوری های نوین و بنیان های دینی، اخلاقی و عرفی، نیازمند واکاوی ژرف در ماهیت ابزار و چگونگی ورود آن به بافت های فرهنگی و اعتقادی است. فناوری به مثابه پدیده ای انسانی و ساخته ذهن و دست بشر، از یک سو می تواند در خدمت ارزش های متعالی دین و اخلاق قرار گیرد و از سوی دیگر، در صورت فقدان هدایت و کنترل هدفمند، زمینه ساز بحران های جدی در عرصه معنویت و مشروعیت گردد. بدین سان، تحلیل فقهی کاربرست فناوری در مناسک عبادی ناچار است به این پرسش بنیادین پاسخ دهد که آیا فناوری صرفاً ابزاری خنثی است یا آنکه به اعتبار صورت و محتوای خویش حامل معنا محسوب می شود؟ و اگر حامل معنا باشد، نسبت آن با نیت های عبادی، هنجارهای عرفی و الزامات اخلاقی چگونه باید سنجیده شود؟

در دستگاه معارف اسلامی، عبادت صرفاً انجام مجموعه ای از افعال صوری نیست، بلکه کنشی آگاهانه و با نیت قربی در چارچوب سنت پیامبر اکرم ص به شمار می آید. از همین رو، ورود هر عنصر نو به ساختار عبادت باید با سه معیار اساسی محک زده شود: نخست، میزان انطباق با شریعت؛ دوم، درجه پذیرش عرفی و فرهنگی در میان جامعه دینداران؛ و سوم، نسبت آن با اصول اخلاقی اسلام در مقام همسویی یا تعارض.

در نسبت فناوری با دین، آنچه در درجه نخست اهمیت دارد، حفظ اصالت، خلوص و روح عبادی عمل است. اگر ابزار فناورانه، مانند دستگاه قبله یاب یا نرم افزار آموزش تلفظ صحیح حروف در نماز، موجب افزایش دقت در انجام عبادات و رفع خطای ناآگاهانه شود، نه تنها مخالف با دین نیست، بلکه می تواند مصداق امتثال دقیق تر امر شارع باشد. اما اگر فناوری موجب غفلت از نیت، یا تحویل عبادت به یک فرایند مکانیکی و سطحی شود، آنگاه با روح دین تعارض پیدا خواهد کرد.

از منظر عرف، کاربرست فناوری در عبادات باید با درک صحیح از بسترهای اجتماعی، حساسیت های فرهنگی و عادات های مستقر صورت گیرد. عرف متشرعه همواره معیاری مهم در تحلیل های اصولی و فقهی بوده است. برای نمونه، اگر در یک جامعه، استفاده از بلندگو برای اذان یا نماز جماعت عرفاً پذیرفته شده باشد و موجب تقویت شعائر شود، این کاربرد نه تنها جایز، بلکه راجح خواهد بود. اما چنانچه ابزار فناورانه ای، مانند نمایشگرهای دیجیتال در هنگام طواف، موجب نوعی از خودنمایی، تشنیت توجه یا تخریب وحدت عرفی عمل گردد، باید در مشروعیت آن تجدیدنظر کرد. عرف، در این معنا، نه به عنوان معیار خودپسنده، بلکه به عنوان انعکاس پاورهای عمومی متدینان درباره حرمت و قداست مناسک نقش دارد. از جهت اخلاقی نیز، باید بررسی شود که آیا استفاده از فناوری خاصی در عبادت، موجب تقویت تقوا، خضوع و خشوع در نماز و حج می شود یا خیر. اگر فناوری موجب نمایش، تظاهر یا ساده سازی مفرط عبادات شود، ممکن است زمینه ساز ریا یا عدم حضور قلب شود. به تعبیر دقیق تر، ابزارهای تکنولوژیک، حتی اگر از نظر فقهی مباح باشند، در مقام تربیت دینی باید با دقت اخلاقی سنجیده شوند. برای مثال، اگر فردی با استفاده از اپلیکیشن اذان و تسبیح دیجیتال، دچار عادت زدی و غفلت شود، در واقع فناوری به جای تقویت معنویت، در مسیر فروکاست آن عمل کرده است. در چنین مواردی، نیاز به ملاحظات اخلاقی-فقهی وجود دارد.

از سوی دیگر، اگر کاربرست فناوری، به نیت آموزش، تسهیل، یا تصحیح عمل عبادی انجام گیرد، و روح عبودیت و توجه در آن محفوظ باشد، نه تنها اشکالی ندارد بلکه از منظر اخلاق دینی نیز پسندیده است. روایات متعددی دلالت دارند بر اینکه «أفضل الأعمال ما أخلص فيه النية»، و اگر فناوری بتواند زمینه اخلاص، توجه و دقت را فراهم کند، در حقیقت ابزار تحقق غایت اخلاقی عبادت خواهد بود.

در جمع بندی می توان گفت نسبت فناوری های نوین با دین، عرف و اخلاق، نسبتی ساده و یکسویه نیست. نه می توان به صرف نو بودن، آن ها را بدعت دانست، و نه به بهانه کارآمدی، آن ها را بی قید و شرط پذیرفت. معیار در پذیرش یا رد هر فناوری، میزان همسویی آن با سه معیار پیش گفته است: انطباق با احکام شرعی، پذیرش در عرف متشرعه، و همخوانی با فضائل اخلاقی اسلامی. این رویکرد، در عین وفاداری به سنت دینی، زمینه ساز مواجهه فعال و متفکرانه با تحولات عصر جدید است.

۴. تحلیل فقهی کاربرست فناوری در اعمال عبادی

با ورود فناوری های نوین به ساحات زندگی دینی، یکی از مهمترین پرسش هایی که در برابر فقیه قرار می گیرد، چگونگی سنجش مشروعیت استفاده از ابزارهای فناورانه در بستر عبادات است؛ چراکه عبادت، حوزه ای است که به شدت با قصد قربت، حدود توقیفی و پرهیز از بدعت گره خورده و هرگونه دخالت یا نوآوری در آن، نیازمند تحلیل فقهی عمیق است. در این راستا، بررسی میانی اصولی مانند «قصد قربت»، «البدعة ضلالة»، «ما لیس فیہ نص فهو مردود» و «العبادات توقیفیه» در کنار تحلیل آثار فناوری بر ارکان، شرایط و مقاصد عبادات، ضرورتی اجتناب ناپذیر دارد.



از کرسی های نظریه پردازی، فرهنگ ساز و...

باسمه تعالی

در خصوص نماز، که دارای ارکان، شرایط و نیت خاصی است، استفاده از ابزارهایی همچون اپلیکیشن های تعیین قبله، برنامه های یادآوری وقت نماز، نرم افزارهای آموزش قرانت صحیح و حتی ربات هایی که حرکات نماز را شبیه سازی می کنند، نمونه هایی از فناوری هایی هستند که وارد عرصه این عبادت شده اند. سؤال اساسی این است که آیا این ابزارها موجب تغییر در ماهیت عبادت یا نقص در ارکان آن می شوند؟ بر اساس مبانی فقه امامیه، اگر فناوری نقش واسطه ای در حفظ دقت، سلامت اجرای اجزاء و تقویت حضور قلب در نماز ایفا کند و در عین حال قصد قربت محفوظ بماند و هیچ گونه شبهه بدعتی نیز در آن راه نیابد، استفاده از آن مشروع خواهد بود. به عنوان مثال، استفاده از قبله یاب دیجیتالی به جای اجتهاد شخصی، در فرض عدم علم به جهت قبله، کمک به تحقق یقین یا اطمینان محسوب می شود و داخل در ادله عامه مانند «کل ما یوجب الظن القوی یجوز التعویل علیه» خواهد بود. همچنین، اگر ابزارهای آموزش قرانت نماز به حفظ صحت قرانت کمک کنند، نه تنها جایز بلکه واجب کفایی برای تعلیم جامعه شمرده می شوند.

در خصوص مناسک حج، که در کنار ابعاد عبادی، جنبه های مناسکی و اجتماعی نیز دارد، ورود فناوری های نوین به مراتب گسترده تر و چالش برانگیزتر بوده است. فناوری هایی نظیر سیستم های موقعیت یاب برای مدیریت ازدحام، نرم افزارهای تعیین وقت رمی جمرات برای کاهش خطرات، کارت های هوشمند هویت زائران، مدیریت رباتیک قربانی ها و حتی شبیه سازی اعمال حج برای آموزش زائران، همگی مواردی هستند که با اهداف تسهیل، تنظیم، آموزش یا ایمنی در مناسک به کار گرفته شده اند. در اینجا نیز معیار تحلیل فقهی، همان اصول بنیادین است: آیا این ابزارها موجب تغییر در حقیقت عبادت می شوند؟ آیا قصد قربت را تهدید می کنند؟ آیا شائبه بدعت را در پی دارند؟

فقه های معاصر در پاسخ به این موارد، میان استفاده از ابزار برای آموزش و تسهیل با استفاده از آن برای جایگزینی ارکان تمایز قائل شده اند. به عنوان نمونه، شبیه سازی اعمال حج برای آموزش زائران در قبل از ورود به احرام، نه تنها اشکال ندارد بلکه از مصادیق مقدمه واجب به شمار می آید؛ اما استفاده از ربات به جای فرد برای انجام رمی جمرات، به گونه ای که انسان هیچ گونه مباشرت یا نیابت نداشته باشد، از منظر فقهی محل اشکال جدی است؛ زیرا یکی از شرایط مشروعیت عبادت، مباشرت یا نیابت مشروع در افعال است. همچنین، فناوری های پردازش تصویر و شمارش هوشمند برای نظم دهی به طواف یا تشخیص تخلفات در سعی، چنانچه تنها جنبه کنترلی یا آماری داشته باشند و دخالتی در نیت، توجه یا عمل عبادی نکنند، جایز خواهند بود.

از منظر قواعد اصولی، تمسک به قاعده لاضرر در مواردی که فناوری موجب کاهش خطر در مناسک حج می شود، مانند جلوگیری از ازدحام در رمی جمرات، از مشروع ترین ادله بر جواز استفاده از ابزارهای نوین است. همچنین، اگر فناوری به عنوان ابزار تسهیل و ضبط نیت (مانند اپلیکیشن نیت نگار یا محاسبه گر وقت نذر) به قصد قربت کمک کند و در عین حال باعث غفلت یا عدم توجه نشود، می توان آن را در طول مقاصد شریعت دانست نه در عرض آن.

با این حال، باید توجه داشت که در مواردی، فناوری ممکن است تبدیل به بدیل عبادت شود یا عملاً رابطه عابد و معبود را تضعیف کند. مثلاً اگر کاربر صرفاً با تکیه بر اپلیکیشن، تمام حرکات و اذکار نماز را به حافظه موبایل سپرده باشد و خود در حد ادراک ذهنی از قرانت و نیت مشارکت نداشته باشد، چنین حالتی ولو ابزار ظاهر عبادت را تأمین کند، از حیث روح عبادت و قصد قربت مردود است. اینجاست که فقیه باید میان «کمک به عبادت» و «جایگزینی برای عبادت» تفکیک قائل شود و مرز فقهی آن را دقیقاً ترسیم نماید.

در جمع بندی، باید گفت که تحلیل فقهی فناوری در عبادات، نیازمند نگرشی تلفیقی میان اصول عبادات، مقاصد شرعی، نقش ابزار و روان شناسی دینی است. استفاده از فناوری در صورتی که موجب تقویت اخلاص، تسهیل تعلیم، حفظ سلامت عبادات و پرهیز از خطرات یا آشفتگی شود، نه تنها قابل پذیرش، بلکه گاه مطلوب است. اما هر جا که ابزار بدل از نیت و مباشرت یا موجب بدعت و غفلت شود، فقیه باید مانع ورود آن شود. این نگاه، در واقع برآمده از حکمت شریعت در تعامل با تحولات است؛ تحولی که باید در چهارچوب روح بندگی هدایت شود نه در حاشیه آن.

مفهوم قصد قربت و اصالت در عبادات

تبیین تحلیلی مفهوم قصد قربت و اصالت در عبادات

در سنت فقهی امامیه، تحقق عبادت در معنای خاص، تنها زمانی معتبر و برخوردار از ارزش شرعی است که با قصد قربت همراه باشد. مراد از قصد قربت، همان انگیزه درونی و الهی انسان برای انجام عمل عبادی است؛ به گونه ای که هدف نهایی آن، تقرب به درگاه خداوند متعال قرار گیرد. این مفهوم صرفاً جنبه ای روان شناختی یا نیتی ذهنی ندارد، بلکه ماهیتی حقوقی - عبادی یافته و از حیث فقهی دارای بار مستقل است. بررسی فقهی قصد قربت از دو زاویه اصلی انجام می شود: نخست، تبیین نقش و جایگاه آن در تعریف و تحقق عبادت، و دوم، تحلیل مبانی اصولی و فلسفی ضرورت آن.

در تعریف فقهی، قصد قربت به عنوان رکن دوم عبادت شناخته می شود. چنانچه فقیهان امامی تأکید کرده اند، عبادت دو رکن بنیادین دارد: یکی «حسن فعلی» یعنی مطلوبیت ذاتی فعل در نزد شارع، و دیگری «حسن فاعلی» که همان انگیزه الهی و قصد قربت در فاعل است. اگر هر یک از این دو رکن مفقود گردد، عبادت فاقد ارزش و اثر شرعی خواهد بود. برای مثال،



از کرسی های نظریه پردازی، فرهنگ و هنر

بسمه تعالی

اگر کسی روزه‌ای بگیرد صرفاً برای اهداف بهداشتی یا کاهش وزن، این عمل اگرچه ظاهری موافق با روزه شرعی دارد و از جهت حسن فعلی معتبر است، اما از آنجا که حسن فاعلی در آن وجود ندارد، عبادت محسوب نمی‌شود و شارع به آن اثری مترتب نمی‌سازد.

مرحوم آیت‌الله نیز در تبیین لزوم قصد قربت، به آیه (أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) استناد می‌کند و بر این اساس، تطهیر خانه خدا را مقدمه‌ای برای اعمال عبادی می‌داند که قصد قربت در آن مستتر است. از نظر وی، روح عبادت در قصد تعبد و تقرب به پروردگار متعالی است و بدون آن، اعمال فاقد قوام عبادی خواهند بود.

در سنت روایی نیز، مفهوم قصد قربت، نه فقط به عنوان یک ضرورت فقهی، بلکه به مثابه سنگ محک ارزش‌گذاری اعمال دینی تبیین شده است. در روایت معروفی از حضرت علی علیه‌السلام آمده است: «ما عبدتك خوفاً من نارك ولا شوقاً إلى جنتك بل وجدتك أهلاً للعبادة فعبدتك» که اوج خلوص در قصد قربت را تصویر می‌کند. در این تلقی، قصد قربت فراتر از انگیزه‌های ثواب‌طلبانه یا ترس از عقاب است و به انگیزه‌ی شایستگی ذاتی خداوند برای عبادت استناد دارد.

این مفاهیم، در تحلیل اصولی نیز جایگاه برجسته‌ای دارند. برخی اصولیان، از جمله مرحوم کاشف‌الغطاء، تصریح کرده‌اند که قصد قربت تنها در صورتی متحقق می‌شود که مکلف از مأموریه بودن فعل آگاه باشد. در صورت جهل به حکم یا عدم علم به وجوب عمل، تحقق قصد قربت ممکن نخواهد بود، چراکه قصد امتثال با جهل به متعلق امر شرعی، متعذر است. این سخن، به دلالتی عمیق‌تر، پیوند میان معرفت و نیت را در تحقق عبادت آشکار می‌سازد و دلالت دارد بر این‌که تحقق نیت عبادی، نه فقط یک عنصر روانی بلکه امری معرفتی نیز هست.

در آثار اصولی معاصر نیز، این موضوع مورد توجه دقیق واقع شده است. آیت‌الله فاضل موحدی لنگرانی در اثر اصولی خویش، بر این نکته تأکید دارد که اعتبار قصد قربت در عبادات، برخلاف سایر اجزا و شرایط، ناشی از حکم عقلی است نه شرعی. به بیان دیگر، شارع تنها مأموریه را تعیین کرده است؛ اما لزوم قصد قربت، امری عقلی است که به اقتضای فهم عقل عملی، در تحقق امتثال مأموریه اخذ می‌شود. در این تحلیل، قصد قربت جایگاهی فراتر از شرط شرعی دارد و در زمره‌ی مقومات عبادت قرار می‌گیرد.

در تفصیل بیشتر، برخی از فقیهان، مانند احمدی شاهرودی، هفت معنا برای قصد قربت ذکر کرده‌اند: ۱. قصد امتثال امر خداوند، ۲. قصد محبوبیت فعل در نزد خدا، ۳. طلب رضایت الهی، ۴. شکر نعمت، ۵. طلب ثواب، ۶. دفع عقاب، و ۷. پرستش به جهت شایستگی ذاتی خداوند. از میان این اقسام، آنچه به عنوان حداقل معتبر در صحت عبادت تلقی می‌شود، معنای اول است؛ یعنی انجام عبادت به قصد امتثال امر شرعی. سایر معانی اگرچه از جهت انگیزش‌های ایمانی محترم‌اند، اما در تحقق فقهی قصد قربت به معنای مصطلح، در مرتبه‌ی دوم یا غیرمعتبر قرار می‌گیرند.

از این تحلیل‌ها می‌توان دریافت که «اصالت» در عبادات نه فقط به حفظ ظاهر اعمال، بلکه به حفظ نیت و انگیزه عبادی اصیل نیز وابسته است. حفظ اصالت عبادت به معنای التزام به دو عنصر حسن فعلی و حسن فاعلی است و هرگونه انحراف از این ساختار، موجب سقوط عبادت از درجه اعتبار می‌گردد. این موضوع در فقه شیعه، خصوصاً در مواجهه با پدیده‌های جدید یا اشکال نوین اجرای عبادات (از جمله نوآوری‌های فناورانه در ابزار عبادت)، اهمیت بسزایی می‌یابد که در بخش دوم این گفتار به آن پرداخته خواهد شد.

بررسی مرز میان قصد قربت اصیل و نوآوری در عبادات: حدود مشروع بدعت و نقش متغیرات
پس از آنکه روشن شد قصد قربت، شرط معتبر در صحت عبادات است و عبادت جز با «قصد امتثال امر الهی» دارای اثر شرعی نیست، پرسش بنیادین دیگری پیش‌روی فقیه قرار می‌گیرد که ناظر به تعامل میان اصالت عبادی و پدیده نوآوری در عرصه اعمال عبادی است. به تعبیر دیگر، آیا هرگونه تغییر، نوآوری یا افزودن شکل و قالب جدید به اعمال عبادی، ناقض قصد قربت تلقی می‌شود و در دایره بدعت‌محور قرار می‌گیرد؟ یا می‌توان با تفکیک دقیق میان «ذات عبادت» و «مقدمات و شکل اجرای آن»، مرزی عقلانی و شرعی میان بدعت ممنوع و نوآوری مشروع ترسیم کرد؟

برای پاسخ به این پرسش، نخست باید حقیقت و حدود مفهوم بدعت در شریعت اسلامی تبیین شود. در تعریف بدعت، مقصود از این واژه - چنان‌که تحلیل‌های فقهی بیان کرده‌اند - «نوآوری در آموزه‌ها و احکام دین» است؛ به گونه‌ای که امری را به دین نسبت دهد که منشأ شرعی ندارد و در متن وحی و سنت نبوی سابقه‌ای ندارد. اما باید توجه داشت که «متعلق» بدعت در همه موارد یکسان نیست؛ گاه بدعت در اصل حکم و ماهیت است و گاه در کیفیت و شکل و ابزار. این تفاوت، تأثیر بنیادینی در حکم شرعی دارد. چنان‌که برخی فقیهان معاصر مانند استاد عمید زنجانی تصریح کرده‌اند، آموزه‌های دینی، از جمله احکام عبادی، خود به دو بخش «ثابت» و «متغیر» تقسیم می‌شوند و همین تفاوت، امکان تقسیم بدعت به دو نوع «مطلوب» و «مردود» یا «مجاز» و «ممنوع» را فراهم می‌سازد.

بر اساس این تحلیل، بخش ثابتی از احکام شرعی، مانند وجوب نماز و کیفیت رکوع و سجود و طهارت، دارای ساختار غیرقابل تغییر هستند و هرگونه تغییر در آنها، حتی اگر با نیت تقرب انجام شود، از مصادیق بدعت ممنوع شمرده می‌شود.



زیرا ذات عمل، فاقد مشروعیت است و در این صورت، قصد قربت نیز محقق نمی‌شود، چراکه نه حسن فعلی موجود است و نه امتثال امر الهی حاصل شده است. برای مثال، اگر کسی به جای رکوع در نماز، نشستن یا دست بر سینه نهادن را به قصد تقرب جایگزین کند، نه تنها به عبادت نائل نشده، بلکه مرتکب بدعت نیز شده است؛ زیرا شکل ثابت و توقیفی عبادت را تغییر داده است.

اما در مقابل، در بخشی از احکام که یا اساساً تابع شرایط عرفی و زمانه‌اند (مانند بسیاری از مقدمات عبادات) یا تغییرپذیری آن‌ها تحت قواعدی در شریعت مشروع شمرده شده است، امکان نوآوری شرعی و تغییر وجود دارد و در این موارد، اعمال جدید، اگرچه مسبوق به سابقه نیستند، اما بدعت شرعی محسوب نمی‌شوند. برای نمونه، استفاده از میکروفن یا پخش اذان با بلندگو، یا نشستن منظم مردم در صف‌های مرتب در مساجد، اموری هستند که در صدر اسلام سابقه نداشتند، اما چون تغییری در ذات عبادت ایجاد نمی‌کنند و صرفاً ابزار اجرای آن محسوب می‌شوند، بدعت تلقی نمی‌شوند و در صورت قصد قربت، می‌توانند دارای اثر عبادی باشند.

در یک نگاه دقیق‌تر، همان‌گونه که استاد عمید زنجانی نیز مطرح می‌کند، این تغییرات در عبادات در دو گونه تحلیل‌پذیرند: نخست، تغییرات تابع قواعد شرعی نظیر اهم و مهم، حرج، ضرر و... که در آن، احکام اولی به احکام ثانوی تبدیل می‌شوند؛ دوم، تغییرات ناظر به امور مقدمی و شکل اجرای عبادات، که شرع، چارچوب ثابتی برای آن تعیین نکرده است و اجازه نوآوری را داده است. بنابراین، نوآوری در حوزه مقدمات واجبات (مانند نحوه طهارت با وسایل جدید، اقامه نماز در هواپیما، یا حتی استفاده از برنامه‌های الکترونیکی برای شمارش اذکار) در صورتی که منجر به تغییر در ذات عبادت نشود، بدعت نبوده، بلکه می‌تواند مشروع و حتی مطلوب باشد.

در اینجا، مجدداً نقش نیت و قصد قربت، به مثابه مرز تمایز عبادت از غیر آن آشکار می‌شود. اگر تغییری در فعل دینی داده شود، ولی نیت انجام آن، امتثال امر الهی نباشد یا فعل، خارج از دایره مأموریه شرعی باشد، چنین عملی نه تنها عبادت نیست، بلکه می‌تواند مصداق عمل باطل یا حتی بدعت‌گذاری باشد. اما در مواردی که فعل مشروع است، قصد قربت نیز آن را به مقام عبادت ارتقاء می‌بخشد.

تأکید نهایی بر این نکته است که صرف قصد قربت، مجوز اعتبار هر فعلی در دین نیست. بلکه به تعبیر دقیق فقیهان، تحقق قصد قربت مشروط به آن است که فعل مورد نظر، در دایره مأموریه باشد و شارع آن را از حیث ذات یا در قالب شرایط ثانویه مشروع شمرده باشد. اگر چنین نباشد، حتی نیت صادقانه نیز نمی‌تواند جایگزین مأموریت شرعی شود. بنابراین، نوآوری‌هایی که به تغییر در ماهیت عبادات بینجامند، هرچند با نیت عبادی انجام شوند، نه تنها فاقد قصد قربت معتبرند، بلکه مصداق بدعت محرم نیز خواهند بود.

تحلیل فقهی نسبت قصد قربت با بدعت: شرایط تحقق امتثال و تمییز عبادت مشروع از غیرمشروع در مباحث گذشته روشن گردید که قصد قربت نه تنها رکن اساسی عبادت، بلکه شرط بنیادی در صحت آن به شمار می‌آید. با این حال، یکی از موانع جدی تحقق قصد قربت در اعمال عبادی، آمیختگی آن با نوآوری‌های نامشروع و بدعت‌آمیز است. به همین دلیل، در فقه عبادات، تبیین نسبت میان «قصد قربت» و «بدعت» از حساس‌ترین و دقیق‌ترین مباحث تلقی می‌شود؛ زیرا مرز میان عبادت مشروع و عبادت غیرمقبول درست در نقطه تلاقی این دو مفهوم شکل می‌گیرد. از این منظر، وظیفه فقیه آن است که با تکیه بر دقت اصولی و تحلیل عقلایی، میان نیت خالص و صحیح عبادی از یک‌سو و رفتار ظاهراً دینی اما آلوده به نوآوری غیرشرعی از سوی دیگر تفکیک نماید.

فقیهان اصولی در تحلیل این نسبت، بر این نکته تأکید دارند که «قصد قربت» باید ناظر به امتثال امر واقعی الهی باشد. به تعبیر دقیق مرحوم کاشف‌الغطاء، امتثال عرفی فقط زمانی محقق می‌شود که مکلف با علم و اطمینان به مأموریه بودن عمل، آن را به قصد امتثال امر الهی انجام دهد، نه با شک یا ظن یا صرف خوش‌بینی. بر این اساس، کسی که عملی را به گمان اینکه عبادت است انجام می‌دهد، ولی آن عمل خارج از دایره مأموریه است یا شارع آن را نهی کرده، نه تنها به قصد قربت واقعی نائل نشده، بلکه مصداق عمل غیرمشروع است.

این نکته در آثار اصولی مانند ایضاح الکفایه نیز با دقت بیان شده است. صاحب این اثر، میان احکام تبعیدی که نیازمند قصد قربت‌اند و احکامی که قصد قربت در آن‌ها شرط نیست، تمایز نهاده و تأکید می‌کند که قصد امتثال، یعنی انجام فعل به انگیزه امر مولا، فقط زمانی تحقق می‌یابد که مکلف، امر شارع را دریافته و فعل را به عنوان امتثال آن انجام دهد. اگر فعل، فاقد امر الهی باشد، حتی نیت خالصانه نیز نمی‌تواند آن را به عبادت تبدیل کند.

همین نکته در آثار تفسیری و فقهی شیخ جعفر سبحانی نیز منعکس است؛ وی با استناد به آیه تطهیر بیت‌الله برای «طائفین و عاکفین و راکعین و ساجدین»، می‌گوید که روح عبادت همان «قصد القربة» است و از آنجا که عبادت نیازمند جهت‌گیری به سوی خداست، نمی‌توان فعلی را که از ناحیه شارع نهی شده، با نیت تقرب انجام داد و آن را صحیح دانست.



همچنین، تحلیل دقیق اقسام قصد قربت در آثار اصولی همچون شرح اصول فقه احمدی شاهرودی نیز نشان می‌دهد که صرف وجود انگیزه عبادی، کافی برای تحقق امتثال نیست. وی میان هفت معنا برای قصد قربت تفکیک قائل می‌شود و تنها «قصد امتثال امر خدا» را قابل اخذ در متعلق امر می‌داند، نه سایر اغراض، مانند طلب ثواب، دفع عقاب یا حتی جلب رضایت خدا، که گرچه ممکن است انگیزه عبادی تلقی شوند، اما امتثال محض محسوب نمی‌شوند. به همین دلیل، چنانچه فعل مورد نظر شارع نباشد، یا حتی مشکوک باشد، قصد قربت عرفی قابل تحقق نیست.

نتیجه این تحلیل‌ها آن است که بدعت، به معنای افزودن چیزی به دین بدون مستند شرعی، نه تنها فاقد مشروعیت است، بلکه حتی مانع تحقق قصد قربت نیز می‌شود. زیرا شرط امتثال، علم به مأمور به بودن فعل است و این شرط در موارد بدعت فراهم نیست. به تعبیر دیگر، هر فعل بدعت‌آمیز، به سبب خروج از دایره امر الهی، امکان تحقق امتثال ندارد و از این رو نیت قربی در آن ناتمام و نامعتبر است.

نتیجه گیری

در تحلیل نهایی، می‌توان گفت که مشروعیت قصد قربت، هم از ناحیه «فاعل» مشروط به حسن نیت و انگیزه عبادی است و هم از ناحیه «فعل» مشروط به مطابقت با امر شارع. اگر هر یک از این دو مقوم دچار خدشه شوند، عبادت محقق نمی‌شود و حتی ممکن است به عنوان بدعت مردود تلقی گردد. بنابراین، فقیه موظف است در تحلیل مصادیق عبادی، افزون بر ارزیابی انگیزه‌ها، مشروعیت فعل را نیز با ضوابط نصوص دینی و سیره معصومان تطبیق دهد.

۳-۱ شرح موضوع: بطور دقیق و علمی شرح داده شود

تحقیق حاضر با رویکردی تحلیلی و اجتهادی، در پی پاسخ‌گویی به یکی از مسائل نوپدید و نیازمند تحلیل عمیق فقهی است که از تلاقی میان تحول فناوریانه و ثبات احکام عبادی ناشی شده است. بر این اساس، اهداف تحقیق در دو ساحت علمی و نظریه‌پردازی‌های کاربردی قابل تفکیک و تبیین است:

در سطح نخست، اهداف علمی تحقیق معطوف به تبیین و تحلیل اصول و قواعد فقهی مرتبط با اعمال عبادی و سنجش مشروعیت ورود فناوری‌های نوین به این حوزه است. نخستین هدف علمی، بررسی بنیادهای فقهی نظیر قصد قربت، اجتناب از بدعت، و لزوم رعایت ارکان و شرایط عبادات است که در طول تاریخ فقه اسلامی به عنوان ضوابط بنیادین صحت عبادات شناخته شده‌اند. شناخت دقیق این اصول، امکان آن را فراهم می‌سازد که بتوان با معیارهای معتبر و مقبول فقهی به تحلیل مصادیق نوین در حوزه عبادات پرداخت. دومین هدف علمی، تحلیل ابعاد معنوی، روحی و غایتمند اعمال عبادی در مواجهه با فناوری‌های نوین است؛ چراکه صرف بررسی ظواهر مناسک برای تعیین صحت فقهی کافی نیست و باید سنجش شود که آیا فناوری به تقویت یا تضعیف توجه، خشوع و نیت عبادی انجامیده است. هدف سوم نیز، تبیین جایگاه فناوری در منظومه فقهی عبادات است؛ به نحوی که مشخص گردد چه زمانی فناوری در خدمت عبادت قرار دارد و چه زمانی موجب اختلال در اصالت و حقیقت آن می‌شود.

در سطح دوم، این پژوهش در پی نظریه‌پردازی کاربردی برای هدایت تعامل فقه اسلامی با پدیده‌های فناوریانه در حوزه عبادات است. در این راستا، هدف نخست، ارائه چارچوب نظری‌ای است که رابطه میان شریعت و فناوری در حوزه اعمال عبادی را

تبیین نماید؛ چارچوبی که نه صرفاً به تطبیق موردی بسنده کند و نه گرفتار محافظه کاری غیر اصولی یا پذیرش بی ضابطه نوآوری گردد. هدف دوم، پیشنهاد اصول فقهی مشخص برای انطباق مصادیق فناورانه با مناسک شرعی است؛ اصولی که بتوان از آن‌ها به عنوان راهنمای استنباط و اجتهاد در مواجهه با مسائل مشابه در آینده استفاده کرد. هدف سوم نیز، ایجاد بستری نظری برای بهره گیری از فناوری در ارتقای کیفیت، دقت و تسهیل عبادات است، به نحوی که این بهره گیری به تضعیف ارکان و شرایط عبادت یا به اختلال در نیت و توجه قلبی منجر نشود، بلکه در خدمت تحقق بهتر اهداف شریعت قرار گیرد. بدین سان، این پژوهش نه تنها در پی پاسخ گویی به یک مسئله خاص فقهی است، بلکه می کوشد تا در سطحی بالاتر، الگویی نظری برای مواجهه عقلانی، شرعی و آینده نگر با تحولات فناوری در حوزه عبادات ارائه دهد؛ الگویی که قابلیت توسعه در سایر حوزه های دینی را نیز داشته باشد و به تقویت گفتمان اجتهاد تمدن ساز در فقه اسلامی بینجامد.

۲-۳ سوابق دانشی: تاریخچه موضوع و سوابق نظری و دانشی موجود در این زمینه چیست و جایگاه موضوع حاضر کجاست؟ پژوهش های متعددی در زمینه حج و نماز به عنوان مهم ترین اعمال عبادی در شریعت اسلامی انجام شده است. این تحقیقات عمدتاً به ابعاد فقهی، عرفانی، اجتماعی و فرهنگی این دو عبادت بنیادی پرداخته اند. در حوزه حج، موضوعاتی نظیر تأثیرات اجتماعی و فرهنگی این مناسک، نقش آن در تقویت انسجام امت اسلامی، و چالش های اجرایی آن مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه، پژوهش هایی با رویکرد جامعه شناسی نشان داده اند که مناسک حج به عنوان یکی از بزرگ ترین تجمع های دینی، نقشی محوری در تقویت ارزش های جمعی و انسجام هویتی مسلمانان ایفا می کند. در همین راستا، مطالعاتی مانند نقش حج در حفظ و تقویت نظام اجتماعی مسلمانان به تحلیل ابعاد اجتماعی این شعائر پرداخته اند و کوشیده اند جایگاه آن را در بازتولید همبستگی دینی و اخلاقی بررسی کنند. افزون بر آن، برخی تحقیقات فقهی، به ویژه در منابع آموزشی و دروس حوزوی، به بررسی مسائل خاصی از مناسک حج مانند طواف، سعی، احرام و نیت پرداخته اند و تلاش کرده اند ضوابط صحت و بطلان این اعمال را بر اساس مبانی اجتهادی تبیین کنند. در این زمینه، منابعی مانند کتاب فلاح زاده با عنوان احکام فقهی اجرایی حج، و نیز مجموعه کتب راهنمای زائران منتشر شده توسط مؤسسه مشعر، نمونه هایی از آثار موجود به شمار می روند. در خصوص نماز نیز، مجموعه ای از تحقیقات فقهی و عرفانی منتشر شده است که عمدتاً به تحلیل ساختار، نیت، شرایط و ارکان نماز پرداخته اند. این پژوهش ها غالباً بر لزوم قصد قربت، حضور قلب، رعایت نظم ظاهری و روح معنوی نماز تمرکز داشته اند و بعضاً با هدف آموزش صحیح اجزای نماز در قالب آثار آموزشی یا نرم افزارهای دینی عرضه شده اند. همچنین، مقالاتی در زمینه ابزارهای کمک آموزشی نماز مانند اپلیکیشن های تعیین قبله یا یادگیری تجوید و تلفظ صحیح منتشر شده است، ولی این آثار عمدتاً ناظر به کارکردهای کاربردی این ابزارها هستند و نه تحلیل فقهی آن ها.

با وجود این حجم از پژوهش در ابعاد مختلف نماز و حج، باید اذعان داشت که تحقیقی که به صورت متمرکز و نظام‌مند به بررسی فقهی رابطه فناوری‌های نوین با اعمال عبادی پرداخته باشد، تا کنون انجام نشده است. اثر مهمی مانند کتاب‌شناسی حج و زیارت تألیف اباذر النصرافهانی، با وجود ثبت و معرفی بیش از هزار عنوان کتاب و مقاله به زبان فارسی و عربی در حوزه حج، نشان می‌دهد که تاکنون هیچ پژوهشی به‌طور خاص به تحلیل فقهی فناوری در مناسک عبادی نپرداخته و چنین موضوعی در منابع رسمی و آثار علمی ثبت‌نشده باقی مانده است.

۳-۳ موارد نوآوری: ضمن بیان دانش موجود، نوآوری کرسی ترویجی بطور واضح و روشن بیان شود

پژوهش حاضر از امتیاز ویژه‌ای برخوردار است. این تحقیق نه تنها خلأ علمی موجود در این زمینه را شناسایی کرده، بلکه می‌کوشد با بهره‌گیری از روش اجتهادی، و با استناد به قواعد اصولی مانند قصد قربت، اجتناب از بدعت، و حفظ اصالت عبادات، چارچوبی نظری برای ارزیابی مشروعیت استفاده از فناوری‌های نوین در مناسک حج و نماز ارائه دهد. تلاش این پژوهش، نه تکرار مباحث رایج فقه عبادات، بلکه تأسیس رویکردی نوین در پاسخ‌گویی به چالش‌های دینی در مواجهه با تحولات فناورانه است. به بیان دقیق، این موضوع در آثار پیشین فاقد هرگونه بررسی مستقل، جامع و فقه‌محور بوده و عملاً پیشینه‌ای علمی ندارد.

۳-۴ فرایند: فرایندی که در آن محتوای علمی حاصل شده است، شرح داده شود.

۱- مطالعه کتاب‌ها و مقالات

۲- فیش برداری

۳- ساماندهی

۴- دسته بندی مطالب و نظام‌مند کردن آنها

۵- نگارش نهایی مقاله

۴-۵ منابع: فهرست منابعی که در متن ارجاع داده شده است، آورده شود.

قرآن کریم

۱. ابراهیمی پاسندی، محمدرضا، «حجّیت اجتهاد در تعیین جهت قبله»، فصلنامه مطالعات فقهی معاصر، قم:

۱۴۰۱ ش.

۲. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل محمد بن صالح العثیمین، ریاض: دارالوطن، بی تا.
۳. ابن حمزه، محمد بن علی، الوسیلة إلى نیل الفضیلة، قم: مکتبه آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵۵.
۴. ابن عابدین، محمد امین، حاشیة رد المحتار علی الدر المختار، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۶. احمدی شاهرودی، حسین، شرح اصول فقه (الأحمدی الشاهرودی)، ج ۱، تهران: انتشارات طلوع مهر، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۷. احمدی، علی اکبر، فناوری و معنویت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.
۸. انصاری، مرتضی، مکاسب، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئویة الثانیة لمیلاد الشیخ الأنصاری، ۱۴۱۵ق.
۹. البدر، عبدالرزاق، دروس اعتقادیة، مترجم: عبدالله حیدری، بیروت: دارالمعرفة، چاپ دوم، ۱۴۳۰ق.
۱۰. تسخیری، محمدعلی، القواعد الأصولیة و الفقهیة، تهران: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۳۱.
۱۱. التویجری، محمد بن ابراهیم، احکام العبادات، مترجم: سید زکریا حسینی، ریاض: دارالتوحید، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق.
۱۲. حاجعلیزاده، امین؛ نصیری، فریبا، «بررسی هوش مصنوعی و تجارت الکترونیک از منظر فقه و حقوق و تجارت جهانی»، رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی، دوره ۳، شماره ۹، زمستان ۱۴۰۰، صص. ۷۷-۹۶.
۱۳. حاجی جعفری، علی، «روش های عملی جهت یابی و طریقه به دست آوردن قبله و احکام فقهی آن»، مجموعه مقالات همایش قبله پژوهی، تهران: ۱۴۰۳ش.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۵. حسینی حائری، کاظم، مناسک الحج، قم: ۱۴۲۷ق، ص ۹۷.

۱۶. حسینی، سید محمد، نسبت علم و دین در تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۱۷. خمینی، روح الله، آداب الصلاة، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. خمینی، روح الله، ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، ص ۲۸۵.
۱۹. خواجهی، اسماعیل بن محمد حسین، التعلیقہ علی الرسالہ الصومیہ، قم: مؤسسه عاشوراء، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۲۰. خوانساری نجفی، موسی، منیه الطالب فی شرح المکاسب، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۲۱. خویی، سید ابوالقاسم، موسوعه الإمام الخوئی، ج ۱۴، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۲۲. دهقانی، رضا، «بررسی تطبیقی کارکردهای فناوری در عبادت»، مقاله در نشریه معرفت دینی، شماره ۴۲، ۱۳۹۲، صص. ۷۰-۵۳.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دمشق: دارالقلم، چاپ دوم، ۱۴۲۰ ق.
۲۴. زارعی سبزواری، عباسعلی، القواعد الفقہیہ فی فقہ الإمامیہ، قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۳۰.
۲۵. سبجانی تبریزی، جعفر، رسائل فقہیہ (سبجانی)، ج ۵، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.
۲۶. سبجانی، جعفر، البدعۃ: دراسۃ فقہیہ کلامیہ، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.

۲۷. سیفی، علی اکبر، *دلیل تحریر الوسیلة (الصوم)*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۰، ص ۱۴.
۲۸. شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت، چاپ چهارم، ۱۴۱۴ق.
۲۹. شهید اول، محمد بن مکی، *موسوعه الشهید الأول*، ج ۵، قم: مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیه، ۱۴۳۰ق.
- ۳۰.
۳۱. شهید اول، محمد بن مکی، *موسوعه الشهید الأول*، ج ۵، مکتب الإعلام الاسلامی، معاونیه الأبحاث، مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیه، قم، ۱۴۳۰، ص ۳۵۶.
۳۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۳۳. شهید صدر، محمدباقر، *نهایة الدراية*، ج ۱، قم: مؤسسه دائرة معارف فقه اسلامی، ۱۴۲۰ق.
۳۴. شیخ انصاری، مرتضی، *فرائد الأصول*، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۵ق.
۳۵. صدر، محمدباقر، *بحوث فی علم الأصول*، ج ۳، قم: دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
۳۶. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، *الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة العقلیة*، ج ۶، قم: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۸۶ق.
۳۷. طاهری، جواد، *نواوری در مناسک دینی*، قم: پژوهشگاه باقرالعلوم، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۳۸. طاهری، محمدحسین، «امکان سنجی اخذ قصد قربت در واجبات تعبدی»، *پژوهش های اصولی*، دوره ۹، شماره ۳۳، زمستان ۱۴۰۱، صص. ۱۷۵-۲۰۴.
۳۹. طاهری، محمدصادق، «فناوری اطلاعات و چالش های فقهی»، مقاله در نشریه: *حکومت اسلامی*، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۰، صص. ۴۵-۶۰.
۴۰. طباطبایی یزدی، محمدکاظم، *العروة الوثقی*، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۸ق.
۴۱. طباطبائی، سیده فاطمه؛ بینش به نیا، الهه، «حکم تکلیفی بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی از منظر فقه امامیه»، *حقوق اسلامی*، دوره ۱۹، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، صص. ۱۵۱-۱۸۰.

۴۲. عباسپور، مجید، تکنولوژی و جهان بینی دینی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۴۳. عباسی، سیدمحسن، «بررسی نسبت تکنولوژی با آموزه های اسلامی»، مقاله در نشریه: پژوهش نامه فلسفه دین، شماره ۲۴، ۱۳۹۸، صص. ۸۵-۱۰۵.
۴۴. علم الهدی، علی بن حسین (الشریف المرتضی)، رسائل الشریف المرتضی (جمل العلم و العمل)، ج ۳، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ق، ص ۶۲.
۴۵. عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه (عمید زنجانی)، ج ۳، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۴۶. غدیری، عبدالله عیسی ابراهیم، القاموس الجامع للمصطلحات الفقهیة، دار الرسول الأکرم (ص)، ۱۴۱۸، ص ۱۵.
۴۷. غلامی، نجفعلی، فقه، حکومت، عبادت، تهران: دانشگاه خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۴۸. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، ایضاح الکفایة، ج ۲، قم: انتشارات نوح، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۴۹. فلاح زاده، محمدحسین، احکام فقهی اجرایی حج، تهران: نشر مشعر، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۵۰. قاضی ابوشجاع، احمد بن حسین، فتح القریب فی فقه الإمام الشافعی، مترجم: ملا علی صبار، قم: انتشارات افق، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۵۱. قدردان قراملکی، علی، «راهکار کارآمدسازی توصلیات فاقد قصد قربت از رهگذر ترتب ثواب»، پژوهش های نوین دینی، دوره ۴، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، صص. ۹۷-۱۲۲.
۵۲. کاشف الغطاء، علی بن محمدرضا، النور الساطع فی الفقه النافع، ج ۱، نجف: مطبعة الآداب، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ پنجم، ۱۴۰۷ق.
۵۴. اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، فتاوی اللجنة الدائمة، ریاض: الرئاسة العامة للبحوث العلمیة والإفتاء، بی تا.
۵۵. محقق خویی، ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۱، قم: مؤسسه إسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۵۶. محقق کرکی، علی بن حسین، رسائل المحقق الکرکی (رسالة فی السهو و الشک فی الصلاة)، ج ۲، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۲۲.

۵۷. مدنی کاشانی، رضا، *براهین الحج للفقهاء و الحجج*، ج ۲، قم: المدرسه العلمیه آیه الله العظمی مدنی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۴۵.
۵۸. مسجدسرای، حمید، «کیفیت اعتبار قصد قربت در واجبات تعبدی»، *پژوهش های فقهی*، دانشگاه سمنان، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳، صص. ۶۰-۷۸.
۵۹. مطهری، مرتضی، *آشنایی با قرآن*، ج ۱، تهران: صدرا، چاپ بیستم، ۱۳۹۲ش.
۶۰. مکارم شیرازی، ناصر، *استفتائات جدید*، قم: دارالاعلم، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۶۱. مکارم شیرازی، ناصر، *القواعد الفقهیہ*، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۳۷۰ش.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر، *حیله های شرعی و چاره جویی های صحیح*، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۶۳. ملکی میانجی، محمدباقر، *بدائع الکلام فی تفسیر آیات الأحکام*، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۰ق.
۶۴. مؤسسه دائره معارف الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام، *المعجم الفقہی لکتب الشیخ الطوسی*، ج ۴، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۴ق، ص ۲۶.
۶۵. موسوی بجنوردی، محمدحسن، *قاعده لا ضرر ولا ضرار*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۵.
۶۶. نایینی، محمدحسین، *کتاب الصلاة*، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۶۷. نصرافهانی، اباذر، *کتاب شناسی حج و زیارت*، تهران: نشر مشعر، چاپ اول، ۱۳۸۹.